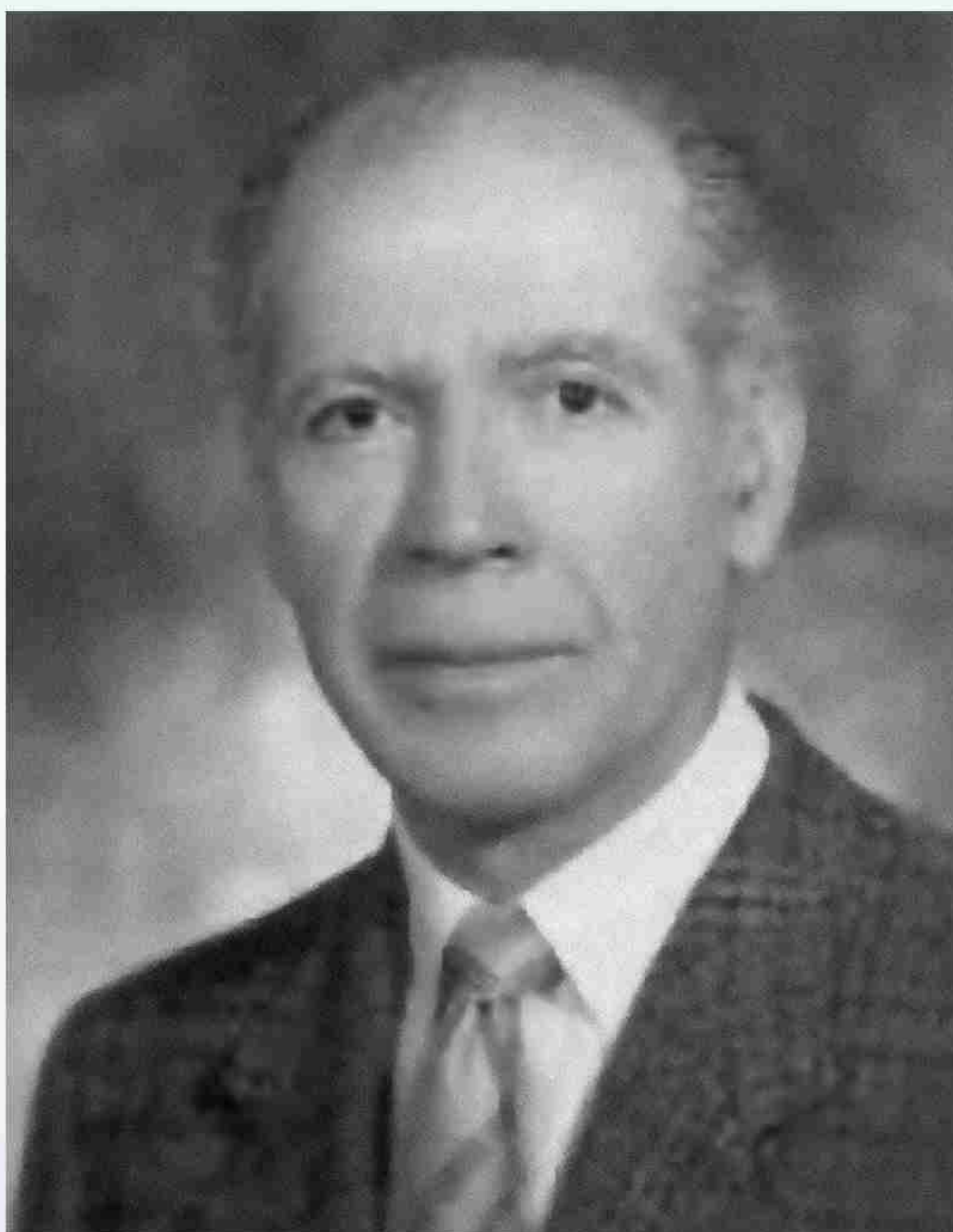




حسین سپاسگزاریان

۲۶ اسفند ۱۳۵۳ تا ۱۵ شهریور ۱۳۵۵
دکتری کشاورزی

خاطرات دکتر سپاسکزاریان

(بخش دوم: موانع، تنگناها و تاریخ‌های مهم در دانشگاه کیلان)

کناره گیری خود سرانه

از ریاست دانشگاه گیلان

پس از درگیری های با وزیر علوم و آموزش عالی و عدم پشتیبانی از طرف نخست وزیر نامه محرمانه شماره ۶۵/م مورخ ۲۵۳۵/۵/۶ (۱۳۵۵) را به ضمیمه چند گزارش برای دفتر مخصوص فرستادم که بدون کوچکترین تغییری از نظرتان می گذرد.

خیلی محرمانه

جناب آقای نصرت الله معینیان

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

اجازه می خواهد که بدینوسیله وفهرست وار خلاصه واصل پنج گزارش مربوط به وضع موجود دانشگاه گیلان را تقدیم و توجه آنجناب را مخصوصا به قسمت اول گزارش، مشکلات دانشگاه گیلان (مشکلات همکاری با گروه آلمانی برنامه ریز دانشگاه گیلان) و گزارش مربوط به دو مدرسه عالی بازرگانی رشت و مدیریت گیلان، لاهیجان را جلب نماید.

دربادی امر اینطور بنظر می رسد که قسمتی از مطالب این گزارش ها جنبه شخصی دارد و از فرم یک گزارش اداری خارج شده است ولی با صمیمیت و اطمینان بعرض می رسانم که تمام مطالب جدی و اکثر آنها ملال آفرینند ولی وظیفه ملی و میهنی خود می دانم که این مسائل را با تأسف ولی بدون پرده پوشی بنحوی که واقع شده اند بازگو کنم.

با وضع موجود و آگاهی به روحیه و طرز کار آلمانها اینطور استنباط می کنم که ادامه کار خدمتگزار در این سمت موجب سرعت پیشرفت کار نخواهد بود و چون راه انتخاب شده را صحیح نمی دانم و تغییر آن نیز فعلا شاید از نظر دیپلماسی روابط کشور شاهنشاهی ایران و دولت فدرال جمهوری آلمان صحیح نباشد و با توجه به اینکه خدمتگزار اصولی و با دیسیپلین می باشم، برآنم که با تأسف استدعای کناره گیری کنم تا از باب سلیقه و برداشت شخصی تعویقی در این کار مهم روی ندهد در حالیکه با متتهای صمیمیت و فداکاری تا کنون در انجام این وظیفه کوشا بوده و خواهم بود.

امید است در صورت امکان قسمتهایی از این گزارش ها و یا خلاصه آنها بعرض ذات اقدس شهریاری برسد تا در صورت تأیید امر فرمایند که از این پس و بیش از پیش فقط بکار آموزش و پژوهش خود بپردازم و از این پست مدیریت معاف شوم.

همواره و در هر مقامی خدمتگزار صدیق و میهن پرست خواهم بود.

حسین سپاسگزاریان - رئیس دانشگاه گیلان

در تاریخ ۲۵۳۵/۶/۹ (۱۳۵۵) رونوشت نامه دفتر مخصوص، به عنوان نخست وزیر بشماره ۲-۴۸۲/م را دریافت کردم که به شماره ۸۹/م بهمان تاریخ در دفتر محرمانه دانشگاه گیلان ثبت شد که از نظرتان می گذرد.

خیلی محرمانه

جناب آقای امیر عباس هویدا

نخست وزیر

موضوع: وضع دانشگاه گیلان

حسب الامر مطاع مبارک ملوکانه فتوکپی گزارش شماره ۶۵/م مورخ ۲۵۳۵/۵/۶ دانشگاه گیلان و بیست و هفت برگ ضمیمه آن به پیوست ایفاد می گردد.

اوامر مطاع مبارک ملوکانه باین شرح شرفصدور یافت:

" نخست وزیر باین مطالب رسیدگی نمایند "

در اجرای اوامر همایونی خواهشمند است نتیجه رسیدگی را گزارش فرمایند تا بشرفعرض برسد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

رونوشت برای اطلاع آقای حسین سپاسگزاریان رئیس دانشگاه گیلان ارسال می شود.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

بقیه آنچه بر من گذشت از نوشته زیر عنوان ناهار با هویدا از نظر تان خواهد گذشت و اینک گزارشهای محرمانه:

مشکلات دانشگاه گیلان

مسائل و مشکلات دانشگاه گیلان را می توان به سه دسته تقسیم کرد: مشکلات همکاری با گروه آلمانی کمیته برنامه ریزی و مسایل سیاسی - مشکلات اعتباری و مشکلات مربوط به وزارت علوم و آموزش عالی و مدیریت آن. مشکلات همکاری با گروه آلمانی برنامه ریز دانشگاه گیلان:

شرکت یک دولت خارجی در برنامه ریزی آموزشی، پژوهشی، کالبدی و تأمین نیروی انسانی یک دانشگاه در ایران، آنهم در صورتیکه وظیفه اساسی انجام فعالیتهای فوق با آن دولت باشد بی نظیر است و برای اولین بار بگوش و چشم می خورد. امضای قراردادی به اینصورت بین دولتیین مبین هوشیاری و علاقمندی و وطن پرستی و پرکاری کارگردان آن است. جناب آقای سفیر کبیر دولت جمهوری فدرال آلمان در مراسم اعطای نشان بزرگ لیاقت در ماه اکتبر ۱۹۷۴ به اینجانب در حضور مدعوین از جمله جناب آقای هوشنگ نهاوندی و جناب آقای حسین نصر از فعالیت های دولت آلمان در راه مشارکت برای ایجاد یک دانشگاه آلمانی در ایران صحبت کرد و پس از سخنرانیهای رسمی در مورد نارضایتی و عدم موفقیت فرانسویها در راه همکاری برای ایجاد دانشگاه و نداشتن نقش مؤثر آنها گفتگو کرد.

در سفر نخست وزیر ایالت بادن وورتمبرگ که به دعوت جناب آقای نخست وزیر در شهریور ۲۵۳۳ (سپتامبر ۱۹۷۴) صورت گرفت مذاکراتی برای ایجاد دانشگاه با کمک و مشارکت آن ایالت انجام شده و اگرچه ایالت ها در آلمان در امر آموزش استقلال کامل دارند ولی نخست وزیر ایالت بادن وورتمبرگ که منتسب به حزب CDU است و در مجلس ایالت اکثریت مطلق دارد نتوانست این همکاری را برقرار کند و حزب اقلیت حاکم SPD & FDP موضوع را خارجی تلقی کرده و آنرا خارج از وظائف ایالت دانستند و لذا فرم همکاری فقط می توانست بصورت همکاری بین دو دولت درآید ولی در راه همکاری دانشگاه گیلان با هر دانشگاهی در آلمان مانعی در کار نیست.

پس از بازگشت از سفر آلمان که به منظور شرکت در کنگره گیاهپزشکی مأموریت از طرف دانشگاه تهران قبل از انتصاب بریاست دانشگاه گیلان) بود و مذاکرات ۳ روزه در Bonn و Stuttgart با مقامات آلمانی و تقدیم گزارش مورخ ۲۵۳۵/۸/۶ توجه جناب آقای وزیر به چند مورد و قبل از امضای قرارداد جلب گردید، ولی به علتی که براینجانب روشن نیست نتیجه ای عاید نشد.

از متن این موافقتنامه نه هیأت امنای دانشگاه گیلان اطلاع داشت و نه رئیس دانشگاه و این مطلب رادر نامه شماره ۱۵۵ مورخ ۳۴/۹/۱۵ نیز به جناب وزیر خاطر نشان کردم و در گزارش مورخ ۳۴/۸/۶ به اطلاع ایشان رساندم که طبق اطلاع قراردادی در روز ۱۲ آبان بین جناب آقای هویدا نخست وزیر و نخست وزیر آلمان فدرال که از مسافرت چین در سر راه به آلمان در ایران توقف می کنند به امضاء خواهد رسید و متأسفانه نتوانستم از متن آن آگاهی حاصل کنم زیرا آن را از من مخفی می کردند.

در مراسم امضای قرارداد رئیس دانشگاه حضور نداشت و جناب آقای هویدا نخست وزیر در نطق سر شام در میهمانی ۱۳ آبان ۲۵۳۵ جناب آقای Schmidt، از این بابت اظهار تأسف فرمودند.

در این میهمانی پروفیسور Weizsaecker برنده جایزه نوبل (یکی از همراهان) مرتباً مرابه جناب آقای Schmidt نزدیک می کردند تا مذاکراتی در مورد دانشگاه صورت گیرد. در این موقعیت از جناب آقای Schmidt پرسیدم که کمیته ۷ نفری را کی معین خواهید کرد. ایشان در جواب گفت سه روز دیگر.

این سه روز منجر به ۷ ماه و ۱۵ روز دیگر شد و تازه پس از این مدت ۶ نفر معرفی شدند که یک نفر از آنها از عضویت منصرف شده و ۵ نفر به ایران آمدند که در جلسات کمیته مشترک در روزهای ۵ و ۶ و ۹ تیرماه در وزارت علوم و آموزش عالی شرکت کردند.

رئیس هیأت آلمانی آقای پروفیسور لویسینگ وزیر پیشین آموزش و علوم و رئیس سابق دانشگاه فنی کالسروهه است که از نظر رفتاری شباهت زیادی به همتای فعلی ایرانی خود دارد. ایشان در آلمان که حکومت حزبی است برای مدت نسبتاً کوتاهی وزیر بودند در حالیکه عضو هیچ حزبی نیستند در حال حاضر بازنشسته اند و مأموریتهای مختلفی برای بخشهای دولتی و خصوصی آلمان انجام می دهند و از طرف وزارت امور خارجه آلمان در سال گذشته مأموریت داشتند که گزارشی در

مورد ایجاد آموزشگاه آلمانی در ایران و همکاری با دولت ایران تهیه کنند.

تعیین معرفی دو نفر عضو دیگر قبل از انتخابات آلمان در اکتبر سال جاری نخواهد بود زیرا آلمانها به این مسئله رنگ سیاسی عجیبی داده اند و من همواره از دخالت سیاست در امر آموزش، آنهم تا این درجه مخالف بوده ام. البته رعایت اصول سیاست ملی و میهنی در امر آموزش و آموزش عالی را هرگز نمی توان منکرشد ولی دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی نباید صحنه قدرت نمایی مقامات و افراد مختلف باشد.

در راه انتخاب این شش نفر نیز مشکلات زیاد سیاسی و حزبی و ایالتی وجود داشته است. دو نفر دیگر از نظر دولت فعلی آلمان نباید عضو حزب CDU و از ایالت بادن و وتمبرگ باشند ولی حزب CDU مخالف این نظر است. در حال حاضر ۴ نفر از ۵ نفر از ایالت بادن و وتمبرگ می باشند.

مقامات دولت شاهنشاهی ایران در جمهوری فدرال آلمان در گزارشهای متعددی مشکلات داخلی آلمان را در راه ایجاد این همکاری و انتخاب افراد گزارش کرده اند ولی متأسفانه از طرف وزارت علوم و آموزش عالی توجه لازم مبذول نشده است.

در آلمان نیز که مطبوعات از آزادی کامل برخوردارند در مورد این همکاری مطالب غیر واقع عنوان می شود که بریده های روزنامه های آلمانی شاهد این مدعاست. جناب آقای دکتر Hahn وزیر فرهنگ ایالت بادن و وتمبرگ به جناب آقای رحمت حقدان معاون وزارت علوم و آموزش عالی در فروردین ماه ۲۵۳۵ گفته بود که چرا مقامات ایرانی اعضای کمیته خود را معین نمی کنند تا کمیته مشترک تشکیل شود؟ استنباط جناب آقای دکتر Hahn هم این بوده است که ۷ ماه قبل اعضای کمیته آلمانی معین شده اند.

آقای پروفسور Linde یکی از اعضای کمیته برنامه ریزی ضمن درک مشکل موجود بعثت آشنایی چندین ساله با رئیس آلمانی کمیته برنامه ریزی از تأخیر ۸ ماهه اظهار تأسف می کرد و بعضی از مقامات دانشگاهی آلمانی با ارسال نامه هایی برای اینجانب مراتب نگرانی خود را از سیاسی بودن این کمیته بجای فنی بودن و اعمال دوستی ها و آشنایی ها ابراز داشته اند.

برای تعیین رئیس آلمانی کمیته برنامه ریزی نیز رقابت سختی بین آقای پروفسور لویسینگ و آقای دکتر Weng وجود داشته است و انتخاب آقای لویسینگ بر این اساس بوده است که "اولاً" آقای Weng عضو مؤثر حزب CDU و معاون مجلس در اشتوتگارت است و ثانیاً آقای لویسینگ وزیر کابینه SPD & FDP بوده است که فعلاً حکومت را در دست دارند که بالاخره حکومت آقای لویسینگ را انتخاب کرد.

آقای Weng نیز بیکار ننشست. در ماه ژانویه ۱۹۷۶ سمیناری درباره روابط بین ایالت بادن و وتمبرگ و دولت شاهنشاهی ایران در اشتوتگارت تشکیل داد که نشریه آن چاپ و توزیع شده است. در این سمینار چند رئیس دانشگاه ایالت راجع به روابط فرهنگی دانشگاه خود با دانشگاههای ایران و آقای Weng راجع به ایجاد دانشگاه گیلان سخنرانی کردند. موضوع سخنرانی آقای ونگ و فعالیت ایشان در ایجاد دانشگاه ایران و آلمان با نامه نخست وزیر ایالت بادن و وتمبرگ به اطلاع مقامات ایرانی در آلمان رسید و از طرف سفیر شاهنشاه آریامهر تشکر شد. بالاخره برای آقای دکتر ونگ نیز باید کاری صورت می گرفت و لذا جناب سفیر کبیر دولت جمهوری فدرال آلمان طبق درخواست دولت متبوع تشکیل یک کمیته سیاسی برای دانشگاه گیلان را پیشنهاد کرد که ابتدا با مخالفت وزارت علوم و آموزش عالی مواجه شد و مراتب به اطلاع وزارت امور خارجه نیز رسید ولی بنا به اصرار سفیر کبیر وزارت علوم موافقت کرد که یک مرجع سیاسی هم آهنگ کننده درباره دانشگاه گیلان مرکب از جناب آقای محمد علی طوسی - جناب آقای حمید زاهدی از یکطرف و آقای Weng و یک آلمانی دیگر بوجود آید که دولت آلمان در مورد انتخاب نفر دوم دچار مشکل است و از اسفند ماه ۲۵۳۴ تا کنون نفر چهارم معین نشده است.

آخر من نمی فهمم ایجاد این همه مشکل برای چیست. یاد ملانصرالدین به خیر که به سر خود سنگ میزد تادردش بیاید تا پس از رفع درد احساس حالت معمولی کند.

بالاخره حاصل این قرارداد هفت ماه و نیم معطلی تشکیل کمیته مشترک برنامه ریزی دانشگاه گیلان با ۵ نفر عضو آلمانی (بجای ۷ عضو - یکی از اعضای نیز فقط ۳ روز شرکت داشت و به آلمان برگشت) ولی با شرکت جناب سفیر کبیر و رایزن فرهنگی و دو عضو وزارت خارجه دولت جمهوری آلمان غربی بود و یک صورت مجلس که نه پیشنهاد است و نه تکلیفی برای کسی در یک محدوده زمانی معین کرده است. بررسی بیطرفانه صورتجلسات نشان می دهد که راه وزارت علوم در نحوه ایجاد دانشگاه گیلان صحیح نیست جلسه آینده هم طبق قرارداد دو جناب وزیر فعلی و سابق به ۷ تا ۱۴ آذر موکول شده

است. ابتدا قرار بود جلساتی در ماههای تیر و مهر نیز تشکیل شود که ظاهراً بعلت اشتغال فراوان دو رئیس کمیته و درحقیقت روشن شدن نتیجه انتخابات آلمان که متأسفانه جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی به آن توجهی ندارند موکول به ۵ ماه دیگر گردید.

خداوند عاقبت این برنامه ریزی را که نباید برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی بلکه برنامه ریزی سیاسی نامید و عاقبت این رئیس دانشگاه را که بویی از سیاست نبرده است به خیر کند. تصمیم گیری با دیگران، مسئولیت از آن رئیس دانشگاه که اگر بخواهد اصولی و صحیح عمل کند هم مقامات وزارت علوم و هم مقامات آلمانی به او خواهند تاخت و بالاخره دریکی از بررسیهای طبق برنامه قبلی تمام تقصیرها را برگردن او خواهند انداخت. اصولاً با اعمال روش فوق همانطور که قبلاً گفته شده است یک لیسانسیه که تا اندازه ای بیک زبان خارجی آشنایی داشته باشد می تواند رئیس دانشگاه باشد.

این شمه ای از مشکلات به اصطلاح سیاسی همکاری با گروه برنامه ریزی آلمانی ولی مشکلات روشی - انسانی و اخلاقی دیگری نیز وجود دارد که بطور خلاصه به آن اشاره می شود.

این حقیقت غیر قابل انکار است که آلمانیها عموماً "مردمانی دقیق و پر کار و علاقمند هستند ولی به جنس و گونه Homo sapiens تعلق دارند و نمی توانند از خلق و خوی عمومی آدمی فاصله زیادی داشته باشند و فقط روش مدیریت واداری و نظام اجتماعی است که از مردمی بنام آلمانی در آلمان انسانهایی با این خلق و خو و روش ساخته است.

اگر قرار باشد مدیر عامل یک شرکت متوسط و حتی کوچک آلمانی در ایران تغییر کند ابتدا شخص مورد نظر یکبار به تنهایی برای مدت ۳ ماه و یکبار دیگر با زن و فرزندانش به ایران می آید تا از مردم و مملکت شناسایی کند و با نحوه فعالیت شرکت آشنا شود سپس برای آمدن به ایران تصمیم بگیرد، ولی برای برنامه ریزی آموزشی - پژوهشی و کالبدی و تربیت نیروی انسانی یک دانشگاه ۵ نفر با وظیفه اساسی به ایران می آیند که ۳ نفر آنها برای اولین بار به این مرزوبوم پا می نهند - در هتل اقامت می کنند و فقط با سفیر کبیر خود تماس دارند و در جلسات با چند نفر همکار ایرانی دوریک میز می نشینند. در طول مدت جلسات هر جا صحبت از مطلبی و بررسی مسئله ای بود آنها اظهار می داشتند که در آلمان چنین و چنان است بدون آنکه در نظر داشته باشند آلمان با ایران از نظر گاههای مختلف اختلاف بسیار دارد و مسائل ما متفاوت است. این افراد درحقیقت با الگوهای پیش ساخته در فکر و چمدان به ایران آمده بودند و حال آنکه حق این است که این آقایان ابتدا به مطالعه سیستم آموزشی مملکت به امکانات و تنگناها می پرداختند و در صورت برخورد به مسئله و برای حل آن با تجربه ای که دارند و متناسب با خلق و خو و عادت و رفتار ما ایرانیان تفکر کرده و راه حل ارائه می دادند. درحقیقت تفکر و دقت آلمانی را در حل مشکل بکار می بردند و نه اینکه الگوی پیش ساخته آموزش عالی آلمان را که کاملاً با نظام آموزشی ایران متفاوت است در مد نظر داشته باشند. ساده ترین مثال اینکه آموزش در آلمان از استقلال کامل ایالتی برخوردار است و مثلاً "وزیر فرهنگ ایالت بادن وورتمبرگ و حتی یک کارشناس بودجه وزارت فرهنگ ایالت به دانشگاههای ایالت از جمله دانشگاههای هایدلبرگ - توینگن - فریبورگ - اشتوتگارت - اولم - کنستانس - کارلسروهه و صدها مؤسسه آموزش عالی و حرفه ای بالای دبیرستانی حاکم و تصمیم گیرنده است و یا اینکه در مقابل یک پست خالی دبیری ۳۰ نفری داوطلب وجود دارد که بهترین آنها انتخاب می شوند. آلمانیها در دوره سازندگی مانند ما قرار ندارند که پیشرفت سریع و عجیب در دهه اخیر موجب شده باشد که ۴۵ هزار دبیر کمبود داشته باشند و لذا راه حلهایی که توصیه می کنند چون هنوز از وضع ما اطلاعی ندارند نه کمال مطلوب است و نه وافی به مقصود. از طرف دیگر دیسپلین آلمانی او را مجبور می کند که پیرو رئیس باشد و وقتی بین دو رئیس توافق نظر باشد پس از هفت ماه و نیم بصورت مجلسی دست می یابیم که به آن اشاره شد و صورت مجلس دیگری که شاید روشنگر راه و روشی نیز نباشد در ۵ ماه آینده نوشته خواهد شد. ما وقت اضافی برای تلف کردن نداریم و از قدرت سازندگی آلمانها باید به نحو صحیح استفاده شود.

بطوریکه مشروحاً در نشریه شماره ۱ دانشگاه گیلان "گفت و شنود پرسش و پاسخ درباره فعالیت های حال و آینده دانشگاه گیلان" آمده است آلمانیها با تجربه ترین مردم دنیا در کار دانشگاه سازی هستند و باید حد اکثر استفاده از این همکاری بطور اصولی و متناسب با موازین قانونی و مقررات و قطعنامه های مختلف و مصوب ایران بعمل آید و به قول جناب آقای استاندار گیلان با صاحب کار بعنوان گروه مشاور همکاری کنند و نه آنکه پس از ۳ روز اقامت در ایران و عدم آگاهی از مسائل بما دیکته کنند که چه باید بکنیم.

از مشکلات فردی و شخصی بهتراست ذکرى بميان نيايد زيرا درمورد موجودات زنده مشتمل نمونه خروارنيست ولى ممکن است يك عضو ناباب روى ديگران اثر بگذارد . بطور كلى درانتخاب اعضا به وسيله دولت جمهورى فدرال آلمان دقت كافى بعمل نيامده و همواره از افراد مشهور به داشتن روش مطلوب و حسن خلق و داراى تفرانس استفاده نشده است . مثالهاى رفتارى بسيارى كه متناسب با خلق و خوى ما ايرانيان نيست و در آلمان نيز بسيار مذموم است خصوصاً "درموقع اقامت دوروزه آنها در رشت ديده شد كه موجب عصبانيت مقامات مختلف محلى گرديد ولى هربار از طرف رئيس دانشگاه رفع و رجوع و معذرت خواهى شد و افراد صاحب صلاحيت از درج مطالب مربوط در روزنامه ها جلوگيرى كردند . رفع اين نقائص بسيار آسان و فقط مبتنى بر روش صحيح مديريت است كه بايد از طرف جناب وزير علوم و آموزش عالي اعمال شود .

در صورتيكه اجازه داده مى شد كه رئيس دانشگاه گيلان متناسب با استقلال نسبي و قدرت قانونى و اجرايى خود مانند ساير دانشگاههاى كشور و از جمله دانشگاه رضا شاه كبير و مركز پزشكى شاهنشاهى با يك يا چند دانشگاه بنام و مشهور مانند دانشگاههاى كه نامبرده شد و همگى دريك ايالت مستقر هستند قرارداد همكارى براى برنامه ريزى و تهيه نقشه جامع و همكارى گسترش فزيكى داشته باشد تا كنون نقشه جامع تهيه شده بود و رئيس دانشگاه مى تواند درموقع تنظيم بودجه براى سال ۲۵۳۶ و سالهاى بعد با توجه به برنامه زمانى گسترش متكى به مطالعات و برنامه باشد و نه مانند زمان حاضر كه درفضا معلق بماند و نداند كه بودجه سال آينده را كه تا دوماه ديگر بايد ارائه دهد برچه اصول و ضوابط و برنامه اى تنظيم كند كه اولاً "مورد قبول سازمان برنامه و بودجه و كافى باشد و از طرف ديگر مورد اعتراض كارآما كه دراينحالت كميته مشترك برنامه ريزى است و هيچ برنامه اى دراختيار رئيس دانشگاه نگذاشته است قرارنگيرد .

از هر زمانى كه جلوى اين اشتباه گرفته شود و رئيس دانشگاه رادرتصميم گيرى و اجرا در چارچوب قوانين و مقررات درمقابل قبول مسئوليت آزاد بگذارند كار اصلى دانشگاه شروع خواهد شد كه متناسب با نيازها و رفع تنگناهاى موجود ، كارساختمان دانشكده هاى مختلف را برحسب اولويت ويكى پس از ديگرى شروع كند .

مشكلات اعتبارى

اگر قبول كنيم كه بايد بين دانشگاهها و سازمانهاى دولتى واسطه اى وجود داشته باشد نقش واسطه با وزارت علوم و آموزش عالي است و درحقيقت اين وزارت بايد ستادى عمل كند و بصورت دبير خانه اى براى شورائى مركزى دانشگاه ها و ساير مقامات تصميم گيرنده مملكت بوده و نقش هماهنگ كننده راداشته باشد .

وزارت علوم و آموزش عالي اينكار را انجام نمى دهد و فقط درصداست كه دانشگاه ها را جزء ابواب جمعى خود كند و مديريت آنها را زير نفوذ خود بگيرد . ازطرف ديگر جناب آقاى وزير علوم ، خود در مقام رقابت بارؤساي دانشگاه ها است كه اگر اين رقابت انسانى و منطقى باشد بسيار پسنديده است ولى اگر با تبعيض و استفاده بى جا از قدرت و خود كامگى در مورد دانشگاهى كه مسئوليت آن را دارند و دخالت مستقيم و غيرمستقيم در كار دانشگاه هاى ديگر همراه باشد مطلوب نيست .

درصورت دوم يا موفق به جلب همكارى همكاران متبحر نمى شوند و فقط از همكارى كسانيكه اميدجاء و نان و يا بيم جان دارند بهره مى برند و يا اسلحه هاى پنهانى به اصطلاح با تجربه و سياستمدارترها بكارمى افتد و يا حداقل دانشگاهها بطوريكه از طرف جناب آقاى وزير درچند مورد اظهارشده است به حرفهاى ايشان گوش نمى كنند .

وزارت علوم و آموزش عالي به عنوان واسطه دانشگاه با سازمانهاى دولتى درصدد كمك به دانشگاه گيلان برنيامد بطوريكه دانشگاه گيلان براى ۷ ماه آخرسال ۲۵۳۴ فقط ۵ ميليون ريال اعتبار داشت و براى سال ۲۵۳۵ با توجه به هزينه سنگين برنامه ريزى ، ۶۰ ميليون ريال اعتبار جارى و عمرانى دارد و عملاً "نمى تواند فعاليت چشم گيرى داشته باشد . براى مقايسه كافى است گفته شود كه اعتبارات جارى يا عمرانى دانشگاه گيلان درسال ۲۵۳۵ معادل صرفه جوئى است كه در بودجه مصوب مدرسه عالي مديريت گيلان - لاهيجان كه زير نظر اينجانب اداره مى شود بعمل آمد و درحاليكه اعضاى هيأت علمى تمام وقت اين مدرسه دو برابر شد و سطح آموزش آن بمراتب بالاتراز سابق گرديد بدون آنكه از امكانات ديگر كاسته شده باشد .

دانشگاه گيلان درحال حاضر فقط ۵ اطاق در مؤسسه تحقيقات و برنامه ريزى آموزشى دراختيار دارد كه سطح آن ۱۲۰ متر مربع است و من در مقام مقايسه بر نمى آيم .

نامه شماره ۳۱۰۲۱ مورخ ۲۵۳۵/۸/۲۱ وزارت مسکن و شهرسازی راجع به ساختمان و فضای مورد احتیاج مؤسسات مربوط به وزارت علوم و آموزش عالی از طرف این وزارت در تاریخ ۲۵۳۴/۱۰/۳۰ برای دانشگاه گیلان ارسال شد و وزارت علوم نتوانست با ستناد تصمیم متخذه در جلسه مورخ ۲۵۳۵/۹/۳ هیأت وزیران فضای مناسبی شامل ۱۰ الی ۱۲ اطاق ساده معمولی برای دفتر مرکزی دانشگاه گیلان که فعلاً فقط یک زمین ۲۰۰ هکتاری، که هنوز تصویب نامه واگذاری آن نیز صادر نشده است، در رشت در اختیار دارد، فراهم کند. بازدید از دفاتر مرکزی اغلب دانشگاههای شهرستانها در تهران این تبعیض را نمایان تر می سازد.

دانشگاه گیلان در سال گذشته سازمان و اعتبار نداشت تا بتواند افراد زبده ای را برای برنامه ریزی و امور بودجه و تشکیلات و غیره استخدام و یا منتقل کند. در سال جاری اعتبار دارد ولی نمی تواند محل کار مناسب این افراد را در اختیارشان قرار دهد. بطوریکه هنوز نتوانسته است یک معاون و چند کارشناس استخدام کند زیرا فضای مناسب کار در اختیار نیست. از طرف دیگر با وضع متزلزل مدیریت دانشگاه چگونه می توان با رعایت اصول اخلاقی و انسانی دیگران را در این بلا تکلیفی سهیم کرد. در رشت هم امکانات فراهم نیست، نه امکانات سکونتی و نه امکانات استفاده از نیروی انسانی. از طرف دیگر این افراد حد اقل در سال آینده و جاری با سازمانهای مختلف مستقر در تهران سروکار خواهند داشت که اگر بنا شود در رشت مستقر شوند دائم در راه رشت و تهران در رفت و آمد خواهند بود. با کمک قاطع و مؤثر جناب استاندار گیلان که از نظرا اجرای اوامر شاهنشاه آریامهر - نظر گاه شخصی و شناخت مسائل منطقه و ضرورت اجتماعی و فشار مردم بسیار بکار دانشگاه علاقمند است و با دستور تخلیه یک طبقه از ساختمان فرمانداری، دانشگاه فعلاً در رشت در یک ساختمان ۵ اطاقه جا داده شده است که برای فعالیت فعلی دانشگاه در رشت و مستقر شدن دو همکار آلمانی که قرار است در آینده نزدیک به ایران بیایند کافی خواهد بود و این در صورتی است که این همکاران فرزند مدرسه رو نداشته باشند و در غیر این صورت به هیچ قیمتی حاضر نیستند در رشت اقامت کنند. از اینجا می توان به این مسئله پی برد که چرا رئیس دانشگاه گیلان معتقد است که برای جذب استاد و کارکنان واجد شرایط باید در دانشگاههای شهرستانها و مخصوصاً گیلان با فراهم آوردن امکانات سکونتی و معیشتی شروع به کار کرد.

مشکلات مربوط به وزارت علوم و آموزش عالی و مدیریت آن

قسمتی از مشکلات رفتاری جناب وزیر علوم و آموزش عالی در لیست دیگری زیر عنوان "موارد مختلف بین جناب آقای وزیر و دانشگاه گیلان" آورده شده است ولی باید اضافه کرد که جناب آقای وزیر علوم بسیار قدرت طلب هستند و تمایل دارند که تمام کارهای دانشگاه ها را دیکته کنند. بدیهی است اغلب دانشگاهها، چنانکه جناب آقای وزیر می فرمایند به حرفهای ایشان گوش نمی دهند و در موقعیتی قرار دارند که تغییر وضع آنها از کارهای تقریباً "غیر عملی است و لذا فشار جناب آقای وزیر روی دانشگاههای جدید التاسیس است. بانگاهی به دانشگاه های جدید التاسیس و مؤسسات آموزش عالی متوجه می شویم که در آنجا هم جناب آقای وزیر با مشکلاتی شخصی و اداری روبرو هستند و لذا تمام فشار روی دانشگاه گیلان است و اگر سیونهای جناب آقای وزیر باید سر یک نفر بریزد. البته در انتخاب رئیس دانشگاه گیلان اشتباه کرده اند. رئیس دانشگاه گیلان اهل دیسپلین و اصول است و در ظرف ۲۰ سال عمر دانشگاهی خود نوکر مآب و بله قربان گو نبوده است. نان قرض نداده و نگرفته. موقعیتی نداشته که در حفظ آن از هیچکاری خودداری نکند. بتصدیق دیگران معلم و پژوهشگر خوبی بوده و اگر بله قربان بگوید به کسی می گوید که برای او و فقط در ارتباط با وجدان کار و انجام وظیفه احترام قائل باشد و لذا این بله قربان گویی می تواند به رفتگر کوچه و محل هم باشد.

جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی با وظائفی که برای خود درست می کنند و با گرفتاریهای شخصی و حرفه ای که دارند قادر به انجام این وظایف نیستند و در نتیجه کار مردم و مملکت معوق می ماند. جناب آقای وزیر علوم حداقل ۴ وظیفه مملکتی را قبول کرده اند که اگر بنا باشد کار اصولی و صحیح انجام دهند باید ۴ بار تمام وقت باشند. مجموع وظائف دیگر داخلی و خارجی ایشان از جمله ریاست کمیته مشترک برنامه ریزی دانشگاه گیلان و مآلاً عضویت در این کمیته برنامه ریزی کار بیش از ۶ نفر آدم تمام وقت است و لذا کارها صحیح و به موقع انجام نمی شود و فقط با تصمیم گیریهای فوری مشکل روز بظاهر حل می شود ولی این تصمیم گیریهای بی مطالعه در آینده نزدیک و دور مسائلی را بوجود می آورد که

موجبات عصبانیت و اشتغالات بیشتر جناب آقای وزیر را فراهم می آورد. عصبانیت جناب آقای وزیر روی رفتار ایشان که همیشه طبق نزاکت عمومی نیست اثر نامطلوب و موهن می گذارد.

جناب آقای وزیر علوم بنظر اینجانب بسیار کینه توز هستند و ایشان هنوز فراموش نکرده اند که مثلاً ۸ سال قبل با ایشان در دانشگاه تهران و ملی و در موقع بازگشت از آمریکا و شروع بکار بوسیله یک آدم عقده ای کارشکنی شده است و همیشه در صدد تلافی با این دو دانشگاه هستند. رفتار ایشان با آقای پروفیسور صفویان و در ابتدا با جناب آقای دکتر هوشنگ نهاوندی مبین این موضوع است. متأسفانه جناب آقای وزیر این کینه توزی را بجایی رسانیده اند که در جلسه کمیته مشترک برنامه ریزی در حضور مقامات سیاسی و دانشگاهی دولت جمهوری فدرال آلمان، دانشگاه های تهران و ملی را مؤسساتی از نظر آکادمیک مرده و بی خاصیت توصیف کردند و برای خوش آیند خارجیان گفتند دانشگاه گیلان نباید مانند سایر دانشگاه ها و مؤسسات عالی آموزش کشور به جز دانشگاه پهلوی که از کیفیت نسبتاً خوبی برخوردار است باشد و برای تأیید حرف خود گفتند که تازه جناب آقای نخست وزیر می گویند که تو در گفتارت محافظه کار هستی. من به عنوان یک ایرانی وطن پرست نمی توانستم این توهین را تحمل کنم ولی در حضور خارجیان چاره ای جز سکوت نبود. نگاهی به لیست شاغلین بخش دولتی و خصوصی که در بازسازی و پیشرفتهای مملکت سهمیم بوده اند، ثابت می کند که گفته های جناب آقای وزیر خلاف واقعیت است. آیا گزارش های رئیس دانشگاه تهران در جشن شروع سالهای تحصیلی در مهرماه هر سال بخصوص سال ۲۵۳۴ مورد تأیید شاهنشاه آریامهر و علیا حضرت شهبانوی ایران قرار نگرفت و آیا گزارش فعالیت های ۱۵ ساله دانشگاه ملی مورد تأیید شهبانوی ایران واقع نشد؟ این رفتار جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی جای آشتی و رفع سوء تفاهم باقی نمی گذارد زیرا طرف دیگر هرگز مطمئن نیست که اگر جناب آقای وزیر موقعیت پیدا کند تلافی گذشته رادرنیاورد و بقول معروف "دشمن کینه توز اگر از در آشتی درآید برای وارد کردن ضربه مهلک تری است". در این باب گفتنی زیاد است ولی فعلاً بهمین جا قناعت می شود و ذکر این نکته نیز لازم است که قول جملگی بر آن است که جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی از بهترین پزشکان این کشور هستند و آنها می گویند که ایکاش فقط بکار طبابت می پرداختند، وعده دیگر می گویند جناب ایشان بسیار متکبر، متفرعن، متبخر، قدرت طلب و بسیار خود خواه می باشند.

بودجه دانشگاه گیلان

در اولین ملاقات با جناب وزیر علوم و آموزش عالی گفته شد که برای دانشگاه گیلان ۱۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال برای ۷ ماهه سال ۲۵۳۴ (۱۳۵۴) در نظر گرفته شده است. پس از استقرار گفته شد ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال صرف انجام منظور دیگری شده است و لذا اعتبارات دانشگاه ۸۰۰۰۰۰۰ ریال خواهد بود.

۵۰۰۰۰۰۰ ریال اختصاص دادند و ۳۰۰۰۰۰۰ ریال قرار بود در متمم منظور شود. تلگراف ۷۵۴۵ در مورد بودجه به رشت مخابره شد و با نامه ۲۱۱ در تاریخ ۲۵۳۴/۹/۲۶ پاسخ تلگراف شامل بودجه جاری (تخصیص یافته و متمم) و بودجه سال ۲۵۳۵ و اعتبارات عمرانی صورت داده شد.

۳۰۰۰۰۰۰ ریال متمم حذف شد و لذا بودجه دانشگاه گیلان برای ۷ ماه از سال ۲۵۳۴ که باید از صفر شروع می شد فقط ۵ میلیون ریال بود.

هزینه های قطعی در ۷ ماهه سال ۲۵۳۴ به مبلغ پنج میلیون ریال و هزینه های قطعی انجام شده در سه ماهه اول سال ۲۵۳۵ (۱۳۳۵) به مبلغ نوزده میلیون ریال می باشد.

با توجه به اعتبارات هزینه شده و زمان آن می توان به حجم و کیفیت دانشگاه گیلان پی برد.

ابلاغ بودجه دانشگاه گیلان در تاریخ ۲۵۳۵/۱/۱۶ صورت گرفت. ۳ میلیون تومان جاری و ۳ میلیون تومان عمرانی. تخصیص اعتبارات جاری سه ماهه اول در تاریخ ۲۵۳۵/۳/۵ و تخصیص اعتبار عمرانی در تاریخ ۲۵۳۵/۳/۲۹ با اجازه شروع عملیات از ۲۵۳۵/۵/۱ بود. چون بقول وکلای گیلان جناب آقای نخست وزیر در مجلس فرموده اند که اعتبارات دانشگاه گیلان ۲ برابر خواهد شد و وکلا در روزنامه نوشتند که "۱۲ میلیون تومان در اختیار رئیس دانشگاه قرار داده شده ولی هنوز هیچ اقدامی صورت نگرفته است" با نامه ۲۱۵ مورخ ۲۵۳۵/۲/۱۸ از جناب آقای نخست وزیر خواهش شد که عنایتی به دانشگاه گیلان و وضع اعتباری آن بفرمایند و همچنین با نامه ۲۲۲ مورخ ۲۵۳۵/۲/۱۸ از مدیریت آموزش و پرورش سازمان

برنامه و بودجه ضمن تشریح وضع اعتباری دانشگاه خواسته شد که با بررسی لازم رفع مشکل بفرمایند و رونوشت این نامه ها به وزارت علوم نیز ارسال گردید .

تاریخهای مهم برای دانشگاه گیلان

- ۳ شهریور ۲۵۳۳ صدور فرمان همایونی درباره تشکیل دانشگاه گیلان .
- ۱۲ بهمن ۲۵۳۳ تصویب تشکیل دانشگاه گیلان در نود و نهمین جلسه شورای گسترش آموزش عالی .
- ۹ مرداد ۲۵۳۴ ساعت ۱۱ صبح تلفن جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی به آلمان و طرح این سؤال که "آیا ریاست دانشگاه گیلان را قبول می کنم" .
- ۱۲ مرداد ۲۵۳۴ ساعت ۱۱ صبح تلفن جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی به آلمان و اعلام موافقت ایشان خواستار شدند که زودتر به ایران برگردم .
- ۲۱ مرداد ۲۵۳۴ ساعت ۹/۳۰ صبح تلفن جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی به آلمان . گفتند طوری برگردم که شنبه ۲۵ مرداد در تهران باشم .
- ۲۴ مرداد ۲۵۳۴ بازگشت از آلمان به ایران .
- ۲۶ مرداد ۲۵۳۴ ساعت ۱۴/۳۰ اولین ملاقات با جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی - دو شرط داشتم: بمن تحمیل نکنند و حمایت کنند تا دیگران تحمیل نکنند و هروقت همکاری مرا نخواستند بدنبال پست جدید برای من نباشند - بهترین شغل من تدریس و پژوهش است و به آزمایشگاهم برمی گردم .
- ۲۷ مرداد ۲۵۳۴ ساعت ۱۴/۳۰ منشی جناب وزیر علوم تلفن کرد و گفت فردا ساعت ۸/۴۵ برای شرفیابی در دفتر جناب آقای وزیر حاضر باشم .
- ۲۸ مرداد ۲۵۳۴ ساعت ۱۰ صبح افتخار شرفیابی بحضور شاهنشاه آریامهر حاصل گردید .
- ۷ شهریور ۲۵۳۴ رامسر - شرکت در هشتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی .
- ۱۵ شهریور ۲۵۳۴ استقرار در اتاق شماره ۳۰۲ وزارت علوم ، بدون تلفن مستقیم - با دو میز و ۴ صندلی .
- ۳ مهر ۲۵۳۴ موافقت کابینه آلمان با همکاری ایران و آلمان برای تشکیل دانشگاه در ایران .
- ۱۳ مهر ۲۵۳۴ تشکیل اولین جلسه هیأت امنای دانشگاه () گفته جناب وزیر در هیأت امنای در مورد امضای قرارداد همکاری (صحیح نبود) .
- ۱۴ مهر ۲۵۳۴ مسافرت به آلمان برای شرکت در کنگره گیاهپزشکی و سپس ملاقات با مقامات آلمانی در Bonn و Stuttgart .
- ۲۷ مهر ۲۵۳۴ بازگشت از مسافرت آلمان .
- ۲۷ مهر ۲۵۳۴ افتتاح حساب و دریافت دسته چک از بانک مرکزی .
- ۲۶ آبان ۲۵۳۴ گزارش مسافرت به جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی و سایر مقامات و جلب توجه آنها ، به مواد ۴ - ۵ - ۷ - ۹ آن .
- ۱۲ آبان ۲۵۳۴ صدور فرمان همایونی برای حسین سپاسگزاریان ، رئیس دانشگاه گیلان .
- ۱۲ آبان ۲۵۳۴ امضای قرارداد همکاری برای تشکیل دانشگاه گیلان بین جناب آقای هویدا و جناب آقای Schmidt نخست وزیر دولت جمهوری فدرال آلمان .
- ۱۳ آبان ۲۵۳۴ خلاصی از اتاق شماره ۳۰۲ وزارت علوم و نقل مکان به مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی .
- ۲۰ آبان ۲۵۳۴ ابلاغ امضای قرارداد همکاری ایران و آلمان به دانشگاه گیلان از طرف وزارت علوم .
- ۱ آذر ۲۵۳۴ تحویل دو دستگاه ژیان .
- ۱۲ آذر ۲۵۳۴ تحویل یک دستگاه شورلت ایران .
- ۱۶ آذر ۲۵۳۴ وصول فرمهای توافق اعتبار عمرانی با نامه ۱۲۴۸۳ / الف .
- بهمن ۲۵۳۴ انتشار اولین نشریه دانشگاه گیلان - گفت و شنود - پرسش و پاسخ در باره فعالیت های حال و آینده دانشگاه گیلان

بیاید .

۲۶ شهریور ۲۵۳۴ یادداشت به جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی در باره تشکیل هیأت امناء ، منشی ایشان تلفن کرد و گفت تشکیل هیأت امناء را به بعد از تشکیل کابینه موکول کرده اند .

۶ آبان ۲۵۳۴ حاشیه نویسی در گزارش مسافرت به آلمان ، عدم دسترسی به جناب آقای وزیر حتی برای مذاکره تلفنی و دعوت نکردن من در مهمانی که به افتخار آلمانها داده بودند و در مذاکرات مربوط به انسیتیوی ماکس پلانک ، اصلاح تاریخ حاشیه نویسی .

۲۰ آبان ۲۵۳۴ ارسال پیش نویس قرارداد همکاری با نامه ۶۴۳۴-۱۰ و حاشیه نویسی جناب آقای وزیر که نوشته بودند "جناب آقای طوسی رونوشت به آقای سپاسگزاریان داده شود" .

۳ آذر ۲۵۳۴ دولت عراق تلگرافی از دانشگاه تهران دعوت کرد که یک یا چند نفر را با تخصص های کشاورزی ، پزشکی و اتمی به دومین کنفرانس علمی عراق اعزام دارد. دانشگاه تهران مرا برای قسمت کشاورزی انتخاب کرد و دستور صدور حکم به کارگزینی را داد . من خواهش کردم که مراتب به وزارت علوم و آموزش عالی برای کسب اجازه خروج اطلاع داده شود نامه مربوط صادر شد ولی جناب وزیر به ۳ دلیل مخالفت کردند : چرا دانشگاه تهران قبل از دستور صدور حکم ، موافقت وزارت علوم و آموزش عالی را جلب نکرده - من دیگر عضو دانشگاه تهران نیستم - چرا دولت عراق از طریق وزارت علوم و آموزش عالی اقدام نکرده است ؟

۹ آذر ۲۵۳۴ به دستور جناب آقای وزیر اسامی ۷ نفر اعضاء ایرانی توسط جناب آقای طوسی برای دانشگاه گیلان ارسال شد .

۱۵ آذر ۲۵۳۴ پیشنهاد متقابلی به جناب آقای وزیر دادم - نامه ۱۵۵ .

۱۹ آذر ۲۵۳۴ پاسخ بی ربطی که داده شد (نامه ۷۴۱۶ و) نامه ۱۸۳ مورخ ۳۴/۹/۲۵ دانشگاه و اظهار تأسف .

۱۱ آذر ۲۵۳۴ به جناب وزیر نوشتم که چرا از دانشگاه گیلان و از حسین سپاسگزاریان برای شرکت در کنفرانس آموزش عالی کشاورزی در رضائیه دعوت نشده است . به این نامه جواب ندادند و به جناب آقای هوشنگ نهاوندی گله کرده بودند .

۲۳ آذر ۲۵۳۴ نامه به جناب آقای امین معاون وزارت علوم و آموزش عالی که چرا از دانشگاه گیلان در برنامه کشاورزی نظرخواهی نشده است . نامه ۱۸۲ .

۲۴ آذر ۲۵۳۴ ارسال رونوشت نامه به عنوان آقای دکتر وجدانی برای جناب آقای امین (نامه ۱۹۷) و تأیید نظرات اظهار شده اساتید دانشکده کشاورزی .

۲۵ آذر ۲۵۳۴ جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی بنا به مذاکره ای که باید در هیأت امناء صورت گرفته باشد دریافتی ماهیانه مرا ۱۶۰/۰۰۰ ریال تعیین کردند .

۱ دی ۲۵۳۴ در مورد دریافتی ام نامه مستدل ۲۰۹ را فرستادم . جناب آقای وزیر این نامه را برگرداند زیرا من در آن نوشته بودم که در هیأت امناء مذاکره ای در مورد دریافتی ام صورت نگرفته بود .

۵ بهمن ۲۵۳۴ نامه ۳۶۱ و ۳۶۲ به جناب آقای وزیر درباره حسابرسی مدرسه عالی مدیریت گیلان و هدر رفتن یکصدوده هزار تومان .

۵ آذر ۲۵۳۴ شرکت در هیأت امنای مجتمع پزشکی شیر و خورشید - به مقررات پیشنهادی ایراد داشتم و قرار بود مرا در جلسات بررسی دعوت کنند ولی چنین کاری صورت نگرفت.

۱ تیر ۲۵۳۵ نامه به جناب آقای وزیر و ارسال بریده روزنامه در مورد مجتمع پزشکی شیر و

- ۲۴ اسفند ۲۵۳۴ دومین جلسه هیأت امناء در دفتر سرکارعلیه بانو فریده دیبا .
- ۱۶ فروردین ۲۵۳۵ ابلاغ بودجه عمرانی و بودجه جاری بمبلغ ۶۰ میلیون ریال با نامه ۷۱۲ .
- فروردین ۲۵۳۵ انتشار دومین نشریه دانشگاه گیلان - اصول مبارزه انتخابی با علفهای هرز .
- ۱۲ رديبهشت ۲۵۳۵ ارسال فرمهای امضاء شده و اعتبارات عمرانی پس از بررسی با کارشناسان سازمان برنامه با نامه شماره ۱۷۹ .
- ۵ خرداد ۲۵۳۵ معرفی ذیحساب - آقای عبدالوهاب خواجه نوری با نامه ۵۹۰۰ .
- ۵ خرداد ۲۵۳۵ تخصیص اعتبار سه ماه اول سال با ۱۲ درصد کمتر با نامه ۳۰۶۰/۲۴
- ۹ خرداد ۲۵۳۵ امضای قرارداد جنگل تراشی .
- ۱۰ خرداد ۲۵۳۵ جلسه در سازمان برنامه بمنظور رسیدگی به طرح عمرانی دانشگاه گیلان .
- ۱۱ خرداد ۲۵۳۵ گفت و شنود درباره دانشگاه گیلان در سالن استانداری با حضور تمام نمایندگان انجمنهای دموکراتیک و مقامات لشکری و کشوری استان .
- خرداد ۲۵۳۵ انتشار سومین نشریه دانشگاه گیلان - مقدمه ای درباره کنه های آبری .
- ۱۸ خرداد ۲۵۳۵ صدور احکام اعضاء ایرانی کمیته برنامه ریزی بوسیله وزارت علوم و آموزش عالی، سرستاد دانشگاه تهران در بین دانشگاه گیلان .
- ۳۰ خرداد ۲۵۳۵ ابلاغ موافقت نامه هزینه کردن اعتبارات عمرانی ۲۵۳۵ شروع عملیات از ۲۵۳۵/۵/۱ .
- ۳۱ خرداد ۲۵۳۵ افتتاح دفتر مرکزی دانشگاه گیلان در رشت .
- ۳۱ خرداد ۲۵۳۵ معرفی ۶ نفر از ۷ نفر اعضاء آلمانی کمیته مشترک برنامه ریزی (یک نفر هم حذف شد و ۵ نفر شدند) .
- ۵ تیر ۲۵۳۵ تشکیل اولین جلسه کمیته مشترک برنامه ریزی در وزارت علوم و آموزش عالی که تا ۹ تیر طول کشید .
- ۶ تیر ۲۵۳۵ علیا حضرت شهبانو آرم دانشگاه گیلان را تصویب فرمودند .
- ۱۶ تیر ۲۵۳۵ تخصیص اعتبار عمرانی از طرف وزارت امور اقتصادی و دارائی با نامه ۱۰۹۰۰ .
- ۲۶ تیر ۲۵۳۵ امضای قرارداد حصار کشی ۵۵۰ هکتار .
- تیر ۲۵۳۵ افتتاح حساب برای اعتبارات عمرانی .
- مرداد ۲۵۳۵ انتشار چهارمین نشریه دانشگاه گیلان ، کنه های زیان آور و مفید گیاهان زراعی - مقدمه ای برای مطالعات علمی و عملی .

موارد مختلف بین جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی و دانشگاه گیلان

- ۲ شهریور ۲۵۳۴ تقاضای چند اتاق بطور موقت از دفتر دانشگاه رضا شاه کبیر و عکس العمل جناب آقای وزیر (؟) .
- ۳ شهریور ۲۵۳۴ ساعت ۱۵/۳۰ در دفتر جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی .
- ایشان آقای دکتر "ه" را بعنوان معاون - مهندس "ر" را بعنوان مهندس مشاور و مهندس "ظ" را بعنوان آرشیستک توصیه کردند .
- ۵ شهریور ۲۵۳۴ تلفن منشی جناب وزیر و این پیغام که با دکتر "ط" تماس گیرم و برنامه ریزی آموزش پزشکی را به ایشان بدهم و عکس العمل من (؟) - (دکتر "ط" از اعضای هیأت علمی دانشگاه ملی است) .
- ۱۵ شهریور ۲۵۳۴ یادداشت به جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی درباره سفر یک روزه به گیلان ، تشکیل هیأت امناء ، نیامدن پروفیسور لوئیسینک که قرار بود سپتامبر

خورشید و دانشکده پزشکی رشت .

۵ اسفند ۲۵۳۴ ۸/۴۵ در دفتر جناب آقای وزیر و مذاکره در مورد نشریه شماره ۱ دانشگاه گیلان "گفت و شنود و پرسش و پاسخ - درباره فعالیتهای حال و آینده دانشگاه گیلان".

جناب آقای وزیر بشدت معترض و عصبانی بودند که چرا از ایشان تشکر نشده و نقش ایشان در ایجاد دانشگاه ذکر نشده است . تلفن به جناب تیمسار صفاری و غیر واقع گوئی..... -جمع آوری نشریه -قرار شد ایشان دیباچه بنویسند - تاکنون با وجود چندبار خواهش من اینکار را نکرده اند . و لذا چاپ دوم تهیه شد و نام ایشان هم ذکر گردید . جناب آقای طوسی هم ایراد داشت که چرا از زحمات جناب آقای وزیر تشکر نشده است . بهرحال خوشبختانه جناب آقای وزیر از عقاید ابراز شده و برنامه های آینده طرفداری و مطالب نشریه را تأیید کردند .

۱۷ خرداد ۲۵۳۴ به تقاضای دانشگاه قرار بود اعضاء کمیته مشترک برنامه ریزی بحضور سرکارعلیه بانو فریده دیبا نیابت ریاست هیأت امنای دانشگاه گیلان معرفی شوند ، تلفنی از دفتر سرکارعلیه بانو دیبا در مورد حضور جناب آقای وزیر و جناب سفیرکبیر و رایزن فرهنگی دولت جمهوری فدرال آلمان سؤال کردم - پاسخ داده شد که جناب آقای وزیر تشریف بیاورند و حضور دیگران را موکول به نظر اینجانب فرمودند و لذا نامه ۴۰۶ صادر و موجب ناراحتی گردید .

۲۹ خرداد ۲۵۳۵ با نامه ۳۳۶۴ به آقای عبدالله شیرخانی نوشته اند که این برنامه ریزی در سال جاری زیر نظر اینجانب ادامه خواهد داشت " مقصود برنامه ریزی دانشگاه گیلان است و اینجانب یعنی جناب آقای وزیر . ۱۸ خرداد ۲۵۳۵ تعیین ۷ نفر اعضاء ایرانی کمیته برنامه ریزی دانشگاه با تفاهم اجباری سه معاون فعلی و سابق وزارت علوم و آموزش عالی و ۳ نفر از استادان دانشگاه تهران .

۵ تیر ۲۵۳۵ رفتار جناب آقای وزیر در روزهای تشکیل جلسات کمیته مشترک برنامه ریزی : میهمانی جمعه شب -تشکیل جلسات در وزارت علوم و آموزش عالی -گرفتن ریاست جلسه مخالف متن قرارداد مبتنی بر قانون است -معطل گذاردن اعضاء قبل از هر اجلاس و مذاکرات نیم ساعته با سفیر کبیر آلمان و رئیس هیأت برنامه ریزی آلمانی -توهین بدانشگاه ملی و به آموزش عالی کشور در حضور اعضاء برنامه ریزی و سفیر کبیر و رایزن فرهنگی دولت جمهوری فدرال آلمان غربی و مدیر کل و عضو وزارت امور خارجه دولت آلمان که نمی دانم بچه مجوزی در جلسات شرکت می کردند - تعیین افراد در سو کمیته های مختلف . یکبار جناب آقای دکتر طوسی را از کمیته حذف کردند و در بعد از ظهر آنروز که به جلسه نیامدند ریاست جلسه را به دکتر طوسی واگذار کردند -تسلیم محض در مقابل نظرات آلمانها که اغلب متناسب با شرایط اجرایی در آلمان بود . سلام علیک با تمام اعضاء جز بامن در کوکتلی که داده بودند و یکساعت دیر تشریف آوردند .

تمام این رفتار بمنظور کوچک جلوه دادن نقش رئیس دانشگاه گیلان و اعمال قدرت بود ، لذا کار باری بهر جهت گذشت .

حاصل کار ۴ روز این کمیته صورت جلساتی است که نه بصورت پیشنهاد و طرح جامع و حتی مقدماتی است ، نه برای کسی تکلیفی و زمان انجامی معین کرده است . تشکیل مجدد کمیته طبق نظر قبلی مقامات آلمانی قرار بود در روزهای ۲۰ تا ۲۶ تیر -۴ تا ۸ مهر و ۷ تا ۱۴ آذر باشد ولی چون رئیس هیأت آلمانی گرفتاریهای دیگری پیدا کرده است ، تشکیل جلسه آینده به ۷ تا ۱۴ آذر موکول شد که محل آن نیز معلوم نیست و ظاهراً باید ایران باشد زیرا جناب وزیر به مقامات آلمانی گفته اند که در بازگشت از آمریکا چند روزی به اتفاق همکاران عضو کمیته برنامه ریزی که آلمان رانیده اند (جناب آقای طوسی -جناب آقای زاهدی -جناب آقای امین) به آنجا خواهند رفت .

آقای پروفیسور لینده و یکی از همکارانش آقای Heinrich با موافقت جناب آقای طوسی و به هزینه

دانشگاه گیلان و به تشخیص رئیس کمیته مشترک برنامه ریزی (جناب وزیر) از تاریخ ۳۵/۴/۱۳، لغایت به ترتیب ۴/۱۶ و ۱۳۵۵/۴/۲۳ در ایران بودند. آقای هنریش از رشت دیدن کرد و آقای لینده با سفیر کبیر و رؤسا و نمایندگان ۱۲ شرکت مقاطعه کاری آلمانی که جناب سفیر کبیر برای دومین بار دعوت کرده بود و بارتیس کمیته مشترک برنامه ریزی و جناب آقای پرویز آموزگار (وظایف جناب آقای طوسی را در مدت مرخصی انجام می دادند) و جناب آقای محمد امین و همواره بدون حضور رئیس دانشگاه مذاکراتی کرده است. صورتمجلس قسمتی از مذاکرات برای دانشگاه گیلان ارسال شده که اجرای مواد آن اگر مورد تأیید ریاست کمیته مشترک برنامه ریزی قرار گیرد و دستور اجرا صادر فرماید منوط به تصویب و امضاء و ابلاغ صورت مذاکرات اصلی کمیته مشترک برنامه ریزی خواهد بود.

در جلساتی که جناب سفیر کبیر با مقاطعه کاران آلمانی داشته است یکی از آنها که سابقه کار بیشتری در ایران دارد سؤال می کند که طبق قوانین ایران صاحب کار رئیس دانشگاه است پس او کجا است؟ جواب داده می شود که حضور او لازم تشخیص داده نشد. وقتی جناب وزیر اختیارات قانونی رئیس دانشگاه را از او سلب کند چنین نتایجی هم گرفته می شود.

۴ تیر ۲۵۳۵ خبر ورود اعضاء آلمانی کمیته برنامه ریزی را به روزنامه رستاخیز دادم که در شماره شنبه ۲۵۳۵/۴/۵ چاپ کرد. بریده روزنامه را با حاشیه پهن آبی رنگ در جلسه به جناب وزیر دادند. سخت برآشفتمند و فردای آن روز خبری در روزنامه شماره ۱۵۰۴۶ اطلاعات بود که جناب وزیر را با نام ذکر کرده بود و از دانشگاه و رئیس دانشگاه خبری نبود. ایشان اصولاً "به ذکر نام رؤسای دانشگاهها در روزنامه ها حساسیت دارند و اگر به همکاران ایشان در وزارت علوم تأمین داده شود داستان های واقعی تأسف آوری را تعریف خواهند کرد.

۲۰ تیر ۲۵۳۵ جناب آقای حقدان تلفنی از طرف جناب آقای وزیر از من پرسیدند که چرا در مورد بررسی اکولوژی آلپ مطلبی در روزنامه نوشته ام و گفتند هر جوابی بدهی به جناب وزیر خواهم گفت. گفتم اولاً: چرا ایشان با واسطه با من صحبت می کنند و ثانیاً سؤال ایشان دخالت در آزادی فردی است. اگر خلاف گفته ام اعتراض کنند.

تیر ۲۵۳۵ ناراحتی جناب وزیر فقط از ذکر نام حسین سپاسگزاریان بعنوان رئیس دانشگاه گیلان بود و الا مطلب مندرج بسیار معقول، خبری دست اول و نیمه علمی است که مقام مسئول باید تشکر کند و نه بازخواست.

هر بار که با جناب وزیر از مدرسه عالی مدیریت گیلان در لاهیجان صحبت شده است و هر بار که راجع به تشکیل دانشکده ای در لاهیجان طبق (دستور شاه بر روی گزارش من، خرداد ۱۳۷۵) مذاکره ای انجام گرفته است برآشفته اند و مرا از انجام فعالیتهای مربوط بازداشته اند. در حالیکه سرکار علیه بانو فریده دیبا در چند مورد لزوم توجه به مدرسه مدیریت و جایگزینی آن بدانشکده و توجه به اعضاء هیأت علمی تمام وقت لاهیجان را متذکر شده اند و لاهیجان آمادگی کامل برای پذیرا شدن یک دانشکده حداقل ۱۵۰۰ نفری تربیت معلم را دارد در حالیکه باید ظرفیت آن را با نیازهای موجود به ۳۰۰۰ دانشجوی تربیت معلم در رشته های پر نیاز - کم تأسیسات و کم خرج مانند زبان بیگانه - ریاضی و ادب و فرهنگ ملی که تا سال ۲۵۴۲ به ترتیب ۵۱۵۰ و ۸۷۲۰ و ۸۳۱۵ نفر کمبود خواهیم داشت رسانید. دو قطعه زمین بسیار متناسب هم فراهم شده است ولی عکس العمل جناب وزیر مرابه یاد عکس العمل های مردم کوچه بازار رشت در مقابل مردم پهلوی و مردم رشت در مقابل مردم لاهیجان می اندازد. ناگفته نماند که وزارت علوم و آموزش عالی با توجه به گزارشهای متعدد من راجع به مدرسه عالی مدیریت لاهیجان و بازرگانی رشت کوچکترین اعلام و اظهار نظر در جهت روشن شدن تکلیف و روابط آموزشی و اداری این دو مدرسه رانکرده است.

(فقط یکبار ترمیم خرابیهای مدرسه عالی مدیریت لاهیجان رابا نامه شماره ۲۶۵۰ مورخ ۲۴/۱۰/۲ بلامانع اعلام کرد و حال آنکه)(دستور شاه بر روی گزارش من ، خرداد ۱۳۷۵) در تاریخ ۳۴/۱۱/۲۷ صادر و در تاریخ ۱۲/۱۵/۳۴ اجرا شد).

جناب آقای وزیر در مورد شخص من و دانشگاه گیلان بدو چیز علاقه دارند که می توان به یکی خلاصه کرد و آن اینستکه مرا به صورت یک کارمند بله قربان گوی وزارت علوم و آموزش عالی درآورند .

ملاقات با جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی یکی از مشکل ترین وظائف اداری کسی است که از محبت جناب آقای وزیر برخوردار نباشد .

برای ملاقات ساده ای در مورد موضوعی که مربوط به همکاری با آلمانها و مهم بود در روزهای دوشنبه ۱۵ ، سه شنبه ۱۶ و چهارشنبه ۱۷ دی بترتیب ۸ - ۱۰ و ۵ بار به دفتر جناب آقای وزیر بدون نتیجه تلفن شد . بعدها شنیدم که این رفتار جناب آقای وزیر تپیک است و مربوط به شخص من نیست .

ولی گاهی هم جناب وزیر علاقه به مذاکره پیدا می کنند . صبح دوشنبه ۴ اسفند به کرج تلفن شد (روزهای دوشنبه در کرج درس دارم) و منشی جناب وزیر گفتند که در ساعت ۱۲/۳۰ در دفتر ایشان باشم . جواب داده شد که تا ساعت ۱۲ درس دارم و ساعت ۱۳ با جناب آقای دکتر هوشنگ نهاوندی قرار قبلی و لذا وقت ملاقات به ساعت ۸/۴۵ روز سه شنبه ۵ اسفند موکول شد . ملاقات انجام شد ، یکربع عصبانی بودند و به اینکه نام ایشان در اولین نشریه دانشگاه ذکر نشده است اعتراض داشتند و سپس به تقاضای من قرار ملاقات در ساعت ۱۴ روز ۶ اسفند برای گفتگو درباره مشکلات

کار دانشگاه گیلان گذارده شد . منشی جناب وزیر تلفن کرد و ملاقات به روز دوشنبه ۱۱ اسفند ساعت ۱۲/۴۵ و بصرف سالاد موکول گردید . برای جناب وزیر یادداشت نوشتم و رئوس مطالبی را که می خواستم مطرح کنم باستحضارشان رساندم . در ساعت ۱۲/۴۵ جناب سفیر کبیر دولت جمهوری فدرال آلمان آمد و راجع به تشکیل کمیته مرجع سیاسی مذاکره کرد که من مخالف بودم زیرا با اینکار یک مشکل سیاسی آلمان حل می شد ولی چند مشکل به مشکلات دانشگاه گیلان اضافه می گردید . ولی جناب آقای وزیر موافقت کرد . جناب سفیر کبیر رفت و وارد صحبت شدیم که جناب دکتر نجم آبادی تشریف آوردند و جناب وزیر گفتند که ده دقیقه به اتاق مجاور بروم .

مجددا وارد صحبت شدیم که جناب دکتر شیخ الاسلام زاده آمدند و باز به اتاق مجاور فرستادند و بعد عذر مرا بدون صرف سالاد خواستند و برای ساعت ۱۴/۳۰ روز سه شنبه ۱۲ اسفند قرار مجددی گذاردند . صبح سه شنبه خانم منشی تلفن کرد و گفت ساعت ۱۱ نزد جناب وزیر بروم . ساعت ۱۰ تلفن کرد که نروم زیرا ایشان وقت ندارند .

برای حل مشکل ، یادداشتی به جناب آقای وزیر نوشتم و رئوس مطالب مورد نظر که باید در هیأت امناء مطرح می شد برای استحضار ایشان فرستادم و خواستم که اگر فرصت ملاقات ندارند تلفنی اظهار نظر کنند .

چهارشنبه ۱۳ اسفند تلفن کردم گفتند جناب آقای وزیر بیمار و بستری هستند . به منزل برای عیادت تلفن کردم . گفتند به وزارتخانه رفته اند و به منشی وزیر تلفن کردم که راجع به برنامه دومین نشست هیأت امناء لااقل تلفنی مذاکره کنند . بالاخره روز دوشنبه ۱۸ اسفند در ساعت ۱۴/۳۰ با جناب وزیر ملاقات و راجع به یادداشت دست نویس مورخ ۳۴/۱۲/۹ (۱۳۵۴) من و در مورد برنامه نشست هیأت امناء مذاکره شد . در این مذاکره موضوع تعیین مهندس مشاور که خارج از یادداشت من بود بوسیله جناب وزیر مطرح و جواب داده شد .

یکروز که تاریخ آنرا بیاد ندارم ولی از دفتر یادداشت منشی وزیر علوم می توان پیدا کرد تلفن شد که

ساعت ۱۸ بدفتر ایشان بروم. از ساعت ۱۸ تا ۱۸/۴۰ در اتاق انتظار نشستم و مرد مقرر و خوش برخوردی هم آنجا بود که ما گرم صحبت شدیم. در ساعت ۱۸/۴۰ جناب آقای طوسی از اتاق جناب آقای وزیر بیرون آمدند و گفتند چون سایر آقایان تشریف نیاورده اند شما هم بروید روز دیگری را تعیین خواهیم کرد. من نمی دانم برای چه دعوت کرده بودند ولی در موقع خداحافظی متوجه شدم که آن مرد دیگر آقای دکتر باقرزاده بودند که برای عضویت کمیته ۷ نفری از طرف جناب آقای وزیر کاندیدا شده بودند. ما هر دو وزیر را ندیدیم لذا من از طرف شخص جناب آقای وزیر و وزارت علوم و آموزش عالی در حضور جناب طوسی و منشی جناب وزیر از آقای دکتر باقرزاده معذرت خواستم و چیزی نمانده بود که دچار عقده حقارت در مقابل دستگاه دفتری وزارت علوم بشوم زیرا وزیر علوم با رئیس دانشگاه طوری رفتار می کند که جرأت چنین رفتاری را با آشپزش ندارد که داستانها در همین زمینه برایم تعریف شد که اگر بوسیله آقای خرسندی طنز نویس معروف تنظیم شود موجبات مسرت خوانندگان فراهم خواهد گردید.

نامه های مذکور در این یادداشت در پرونده های وزارت علوم و آموزش عالی و دانشگاه گیلان موجود و در صورت لزوم قابل بررسی و توجیه و توضیح است.

دانشگاه گیلان و دو مدرسه عالی مدیریت گیلان - لاهیجان و بازرگانی رشت

جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی پس از پایان یافتن اولین نشست هیأت امنای دانشگاه گیلان در تاریخ ۲۵۳۴/۷/۱۳ تصویب انتصاب این دو مدرسه عالی به دانشگاه گیلان را خواستار شدند ولی گفته شد که پس از بازگشت از مسافرت آلمان و پس از بررسی، گزارشی در مورد این دو مدرسه عالی تهیه خواهد شد تا براساس آن تصمیمات مقتضی اتخاذ گردد. در صورت جلسه هیأت امناء که معمولاً پس از اصلاحات جناب آقای وزیر امضا می شود مطلب بنحوی نوشته شده است که این انتصاب باید تصویب شده تلقی گردد.

۲۵۳۴/۸/۵ صدور احکام محرمانه (۴) ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ دائر به سرپرستی حسین سپاسگزاریان، رئیس دانشگاه گیلان برای دو مدرسه عالی بازرگانی رشت و مدیریت گیلان - لاهیجان بدون آنکه موافقت دانشگاه (طبق مصوبه یکصد و سی امین نشست شورای گسترش آموزش عالی (جلب شده باشد، بوده است.

۲۵۳۴/۹/۱۱ ارسال گزارش مربوط به مدرسه عالی مدیریت گیلان - لاهیجان با نامه شماره ۱۴۰ و تقاضای اینکه این دو مدرسه مستقیماً زیر نظر وزارت علوم و آموزش عالی اداره شوند و یا تکلیف همه جانبه مدیریت آن روشن گردد.

۲۵۳۵/۹/۲۳ تشکر جناب آقای وزیر با نامه ۷۴۲۵ از دریافت گزارش مدرسه عالی مدیریت گیلان و تقاضای تهیه و ارسال گزارش مشابه در مورد مدرسه عالی بازرگانی رشت.

۲۵۳۵/۹/۲۴ گزارش مربوط به ۱۴ لغایت ۱۹ آذر که با نامه ۱۹۴ برای جناب آقای وزیر فرستاده شد (تلفن جناب آقای وزیر در روز یکشنبه ۱۶ آذر در ساعت ۱۴/۱۵ و ۱۴/۳۰)

۲۵۳۵/۱۰/۷ صدور دستور اعلیحضرت مربوط به انحلال دو مدرسه عالی وعدم انتساب و تأیید صد درصد صحیح بودن نظرات ارائه شده در گزارش رئیس دانشگاه گیلان و لذا موافقت با ایجاد یک دانشکده در لاهیجان به جای دو مدرسه عالی.

۲۵۳۵/۱۰/۱۱ ارسال گزارش مدرسه عالی بازرگانی رشت برای جناب آقای وزیر با نامه ۲۲۰.

۲۵۳۵/۱۰/۶ تشکیل کمیسیونی با حضور جناب تیمسار صفاری و آقایان جهانگیر صوفی رضا دها و جناب آقای محمد علی طوسی برای رسیدگی بوضع دو مدرسه عالی.

۲۵۳۵/۱۰/۲۳ ارسال گزارش دانشگاه در اجرای تصمیم کمیسیون مورخ ۳۴/۱۰/۶ در مورد تلفیق دو مدرسه عالی (با نامه ۳۰۹)

۲۱/۱۱/۲۵۳۵ وزارت علوم با نامه ۶۱۴۷ / ۶۱ صورت جلسه مورخ ۳۴/۱۰/۶ را فرستاد (پس از ۴۵ روز و حال آنکه حتی گزارش مربوط با نامه ۳۰۹ در تاریخ ۳۴/۱۰/۳۲ (۲۸ روز زودتر) ارسال گردیده بود.

۲۵۳۵/۱۰/۱۵ صدور نامه محرمانه ۲۸۴۲ / م (۲) فقط مربوط به یکی از مدارس بازهم بنام حسین سپاسگزاریان رئیس دانشگاه گیلان.

۲۵۳۵/۱۱/۲۷ صدور نامه محرمانه ۲۴۵۰ / م (۲) مربوط به تفویض اختیار هیأت امنای مدرسه عالی مدیریت گیلان - لاهیجان به سرپرست و ارسال یک نسخه از تصمیم مورخ ۳۴/۸/۲۶ یعنی پس از ۳ ماه و یک روز.

پس از چند بار مراجعه به مقامات تصمیم گیرنده وزارت علوم دایره به اینکه اغلب اقدامات خلاف است، صورت جلسه مورخ ۳۴/۱۲/۹ تنظیم شد که در حقیقت برای رفع و رجوع ندانم کاریها است. در راه اجرای قانون اداره امور مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی نه تنها هیچ همکاری از طرف وزارت علوم بعمل نیامد بلکه در مورد مدرسه عالی بازرگانی رشت بنا به مصالحی رعایت و توصیه به اغماض می شود و بنا به مدیریت متزلزل و فراهم نبودن امکانات دخالت، با تحریکات فراوان رودررو هستم. در حالیکه مدرسه عالی مدیریت گیلان - لاهیجان زیر کنترل کامل است و وضع آن از نظر آموزشی خوب و از نظر اداری هم به مراتب بهتر شده و رضایت عمومی مسئولان را فراهم کرده است.

۲۵۳۵/۱۱/۱۲ با توجه به تذکرات متعدد هنوز موضوع وابستگی حل نشده است. وزارت علوم با نامه ۶۱/۵۹۷۰ بارسیدگی به اموال و حسابهای این دو مدرسه عالی را از حسین سپاسگزاریان - رئیس دانشگاه گیلان خواست.

۱۳/۱۹ مورد از یاد داشت ۲ صفحه دست نویس من به جناب آقای وزیر مربوط به دو مدرسه عالی است ولی پس از ۱۰ بار قرار تلفنی و لغو کردن آن بالاخره در ساعت ۲/۳۰ بعد از ظهر ۱۸ اسفند مذاکره کردیم و دستورات و توصیه های جناب وزیر خلاف دستور اعلیحضرت بود.

۲۵۳۵/۱۲/۲۴ با نامه ۶۷ از مؤسسه حسابرسی امین موضوع حسابرسی مدرسه عالی بازرگانی رشت براساس تقاضای وزارت علوم و آموزش عالی خواسته شد. گزارش مقدماتی جالب حسابرسی امین برای وزارت علوم ارسال گردید و حسابرسی نیمه دوم سال ۲۵۳۴ به پایان رسید و گزارش مدون آن تحویل شد.

۲۵۳۴/۱۲/۱۸ نامه خیلی محرمانه ۳۷۶۲ / م وزارت علوم راجع به نارضایی در مورد دو مدرسه عالی. ۲۵۳۵/۲/۲۵ با نامه شماره ۶۰ / ه به نامه ۳۷۶۲ / م پاسخ داده و علل نارضایی شرح داده شد. ۲۵۳۵/۲/۲۲ نامه شماره ۱۵۸۲ تیمسار سناتور صفاری در مورد نامه انجمن شهرستان لاهیجان و علل عدم پذیرش دانشجو.

۲۵۳۵/۲/۱۹ پاسخ به نامه تیمسار سناتور صفاری و ارسال رونوشت برای مقامات مربوط و وزارت علوم و آموزش عالی.

۲۵۳۵/۳/۱۹ نامه ۵۷۷-۱۴ که جناب آقای وزیر از دانشگاه گیلان خواسته اند در تنظیم بودجه سال ۲۵۳۶، اعتبارات مورد نیاز دو مدرسه عالی را بگنجانند و این خلاف دستور اعلیحضرت دایره به عدم وابستگی است.

۲۵۳۵/۳/۲۸ نامه شماره ۵۸۵ در مورد وضع اعتباری مدرسه عالی مدیریت گیلان - لاهیجان (حدود یک سئوم بودجه مصوب بدون پائین آمدن امکانات رفاهی و با بالا رفتن کیفیت و کمیت آموزش و استخدام اعضاء هیأت علمی تمام وقت صرفه جویی شده است).

۲۵۳۵/۴/۱۴ ارسال گزارش آقای رضا دها سرپرست مدرسه عالی مدیریت گیلان برای جناب آقای وزیر و بعضی دیگر از مقامات با نامه ۳۴۴ / م.

۲۵۳۵/۴/۲۹ تلگراف از رشت به جناب آقای وزیر علوم: حقوق خرداد و تیرماه مدرسه عالی

مدیریت گیلان - لاهیجان هنوز پرداخت نشده است.

مدارک آنچه در دو صفحه قبل بصورت عنوان ذکر گردید در پرونده های اداری وزارت علوم و آموزش عالی و دانشگاه گیلان موجود و بکمک آنها می توان جزئیات امر را بررسی کرد .

چرا مدرسه عالی کشاورزی ساری و مدرسه عالی رامسر به دانشگاه رضاشاه کبیر وابسته نشد ؟ . چرا مدرسه عالی کشاورزی همدان به دانشگاه بوعلی وابسته نشد ؟ در حالیکه در این دو دانشگاه به ترتیب ، تخصص قائم مقام و معاون دانشگاه کشاورزی است .

اشارات زیر مربوط به موارد متعددی در مورد دو مدرسه عالی است که از شرح آنها بعلت اطلاع کلام خودداری می شود و در صورت لزوم توضیحات لازم براساس مدارک موجود داده خواهد شد .

گروه بررسی ۶ یا ۱۲-۸- ماهیانه - پاداش مرخصی - خارج - غایب - موجودی - نقل - معاونت - مأموریت - مرکز جدا - تهران اسناد - ملاحظات - گفته و شنیده - برنامه .

توضیحا" اضافه می کنم که در آن موقع آقای وزیر رئیس دانشگاه رضا شاه کبیر هم بود و ریاست دانشگاه بوعلی با آقای دکتر فرهاد ریاحی بود که از دوستان بسیار نزدیک فرح پهلوی بشمار می آمد.

خلاصه و رئوس مطالب ۵ گزارش موجود مربوط به دانشگاه گیلان

الف - مشکلات همکاری با گروه برنامه ریزی آلمانی دانشگاه گیلان

۱- امضای قرارداد همکاری در تاریخ ۱۲ آبان ماه ۲۵۳۴ (۱۳۵۴) صورت گرفته است . هیأت امناء و رئیس دانشگاه تهران از متن قرارداد بی اطلاع بوده اند در حالیکه رئیس دانشگاه سعی در جلب توجه مقامات مربوط در وزارت علوم و آموزش عالی را کرده بود .

۲- وظیفه اساسی فعالیت برنامه ریزی آموزشی - پژوهشی - کالبدی و تأمین نیروی انسانی به دولت جمهوری فدرال آلمان واگذار شده ولی آن دولت تعهد دیگری ندارد . مسائل مربوط به این بند بسیار اساسی و درخور دقت بسیار است .

۳- رئیس دانشگاه در مراسم امضای قرارداد حضور نداشته و جناب آقای نخست وزیر در مراسم دیگری از این بابت اظهار تأسف کرده اند .

۴- تشکیل کمیته مشترک برنامه ریزی مرکب از ۷ نفر ایرانی و ۷ نفر آلمانی در قرارداد آورده شده است . دولت آلمان پس از گذشت هفت ماه و نیم مبادرت به معرفی ۶ نفر عضو کرد که یک نفر نیز قبل از شرکت در فعالیت کناره گیری کرده است و لذا فقط ۵ نفر به ایران آمدند که مسافرت ۳ نفر آنها به ایران برای اولین بار و به مدت ۴ الی ۵ روز بوده است .

۵- طبق گزارش سفیر شاهنشاه آریامهر در آلمان غربی و اطلاعات دیگری که همواره در اختیار مسئولان گذارده شده است و بر اساس شواهد موجود ، دولت آلمان به این موضوع همکاری ، رنگ سیاسی شدیدی داده است و دو حزب اقلیت حاکم و حزب اکثریت دموکرات مسیحی از یک طرف و حکومت های محلی از طرف دیگر اعمال قدرت شدیدی کرده اند و تصور نمی رود که دو عضو دیگر قبل از انتخابات ماه اکتبر سال جاری معرفی گردند .

۶- قرار است جلسه آینده کمیته مشترک ۵ ماه پس از پایان تشکیل اولین کمیته (هفته آخر نوامبر و هفته اول دسامبر) تشکیل شود . حذف دو موعد دیگر در فاصله این ۵ ماه مبین آن است که تشکیل کمیته پس از اعلام انتخابات در آلمان و در نتیجه تعیین دو عضو دیگر می باشد .

۷- برای کسب مقام ریاست گروه آلمانی رقابت سختی بین دو نفر بوده است . سفیر شاهنشاه آریامهر در آلمان غربی در جریان امر قرار گرفته اند .

۸- برای ساکت کردن نفر دوم مبادرت به تشکیل یک کمیته دیگری بنام "مرجع سیاسی هماهنگ کننده" "مرکب از دو نفر آلمانی و دو نفر ایرانی گردیده است که نفر دوم آلمانی پس از گذشت پنج ماه و نیم به علت رقابت های سیاسی در آلمان هنوز تعیین نشده است . (۲ نفر عضو ایرانی یکی از معاونین فعلی و یکی از معاونین سابق وزارت علوم و آموزش عالی می باشند) .

۹- کمیته مشترک برنامه ریزی دانشگاه گیلان از تاریخ پنجم لغایت نهم تیر ماه با ۳ جلسه عمومی و یک جلسه سو

کمیته ها در وزارت علوم و آموزش عالی در تهران تشکیل شد ، ۷ نفر عضو ایرانی مرکب از معاون فعلی -معاون سابق وزارت علوم - دبیرکل شورای مرکزی دانشگاهها - ۳ نفر از استادان دانشگاه تهران با تحصیلات در آلمان در رشته های پزشکی - فنی و زبان و رئیس دانشگاه با تخصص در رشته کشاورزی می باشند .

جناب آقای سفیر کبیر و وابسته فرهنگی سفارت آلمان در ایران و دو نفر از اعضای وزارت امور خارجه دولت جمهوری فدرال آلمان همواره در جلسات کمیته مشترک شرکت داشتند .

۱۰- طبق قرارداد امضاء شده رئیس کمیته باید یکی از افراد ایرانی عضو کمیته باشد ولی جناب وزیر علوم خود را در مقام ریاست کمیته مشترک قرار دادند و لذا طبق قرارداد باید عضو کمیته همکاران ایرانی نیز باشند و یک نفر از اعضای فعلی کمیته باید حذف شود .

بحث و نتیجه گیری

با رنگ سیاسی در خور توجهی که از طرف مقامات آلمانی به ایجاد دانشگاه گیلان داده شده است و با تعادل قوای تقریباً برابر دو حزب اقلیت مؤتلف حاکم و حزب سوسیال دموکرات در آلمان و اعمال قدرت این دو گروه استقلال آموزش در استانها و عدم قدرت دولت فدرال در امر آموزش - تمایل سهمین شدن استانهای مختلف در کار دانشگاه گیلان که در آلمان به عنوان دانشگاه آلمانی زبان با آموزشگران و پژوهشگران آلمانی ، معرفی شده است - جاذبه های فوق العاده ایران مخصوصاً برای اساتید و مدیران آلمانی - تجربه موجود با عنایت به هفت ماه و نیم تأخیر در معرفی اعضای و تکمیل نبودن تعداد آنها و تشکیل جلسه بعدی در ۵ ماه دیگر - آشنائی نگارنده با رفتار و سلوک آلمانها - آشنائی با قدرت اجرایی فوق العاده آلمانها و دقت مخصوص آلمانی در صورتیکه به عنوان کارگزار عمل کنند - تأنی فراوان آنها در تصمیم گیری و رفتار آنها در حالت رئیس و صاحب تصمیم بودن - عدم شناسائی آنها مخصوصاً اعضای منتخب به کار و مسائل آموزش و مخصوصاً مسائل آموزش عالی در ایران و لذا داشتن الگوی پیش ساخته در فکر خود و قیاس مع الفارق مسائل آموزش عالی در ایران و آلمان - انتقال تصمیم گیری از رئیس دانشگاه به کمیته مشترک برنامه ریزی بطوریکه اختیار با کمیته مشترک و مسئولیت با رئیس دانشگاه است - رعایت حال همکاران آلمانی و عدم صراحت وزارت علوم و آموزش عالی در مقابل اظهار نظرهای آنها که اغلب با شرایط و قوانین و مقررات ایران منطبق نیست - دخالت مقامات آلمانی در امور اجرایی و مربوط به رئیس دانشگاه و دخالت های وزارت علوم و آموزش عالی در وظایف رئیس دانشگاه از جمله مسائلی هستند که موانع بزرگی در راه پیشرفت سریع کار فراهم آورده اند .

صورت مجلس نتیجه سه جلسه عمومی مشترک برنامه ریزی و سو کمیته های فنی به زعم اینجانب مبین آن است که کار اصولی که براساس آن حقوق و تکالیف اعضای کمیته ها و رئیس دانشگاه روشن و برنامه اجرایی با تعیین زمان انجام ، معین شده باشد صورت نگرفته و در این مورد نظرات دانشگاه برای وزارت علوم و آموزش عالی ارسال گردیده است .

با توجه به اوامر شاهنشاه آریامهر در مورد ایجاد دانشگاه گیلان - استدعای مردم استان گیلان در شروع چشم گیر این فعالیت - گفته های وکلا و سناتورهای محترم گیلان در مجلس شورای ملی و سنا - اظهار نظرهای مردم در کانونهای حزبی استان و انجمن های دموکراتیک - اظهار نظرهای جناب آقای استاندار گیلان و ضرورت اجتماعی - مطالب نوشته شده در روزنامه ها و مجلات هفتگی و گزارش مقامات مربوط در مورد نارضائی مردم از تعویق شروع فعالیت های دانشگاه به زعم اینجانب لزوم تجدید نظر در راه ایجاد این دانشگاه و یا تغییر در مدیریت آن ، ضروری بنظر می رسد .

اصولاً این سؤال پیش می آید که دولت شاهنشاهی ایران که در تمام امور اجرای سیاست مستقل ملی به رهبری فرمانده بزرگ خود را وجهه همت قرار داده است و با سعه صدر بهای تجربه و تکنولوژی دیگران را می پردازد چه لزومی دارد که در این مورد اختیار مدیریت و اداره و برنامه ریزی همه جانبه یکی از مؤسسات آموزش عالی خود را بدون تعهد متقابل به دیگران واگذار کند . مگر این امکان وجود نداشت که رئیس دانشگاه مکلف شود که با یکی از دانشگاههای بزرگ آلمان و یا مجموعه دانشگاههای یک ایالت بطوریکه شرح آن در متن گزارش اصلی آمده است قرارداد همکاری امضاء کند بطوریکه تجربه و اطلاعاتی که در مورد رفتار و برداشت آلمانها موجود است آنها مشاور دانشگاه باشند و با باقی ماندن مدیریت در دست رئیس دانشگاه و با مشاوره با همکاران آلمانی و طبق قوانین و مقررات و با استفاده از تجربیات ذیقیمت و بسیار با

ارزش آلمانها، در مقام مجری، دانشگاه با سرعت و دقت ایجاد شود.

برای استحضار بیشتر خواهشمند است قسمت اول گزارش مشکلات دانشگاه گیلان "مشکلات همکاری با گروه برنامه ریزی دانشگاه گیلان" مرور شود.

ب - مشکلات اعتباری و امکاناتی

۱- بودجه دانشگاه گیلان برای ۷ ماهه پایان سال (۱۳۵۴) ۲۵۳۴ مبلغ پنج میلیون ریال بوده است که صرف پرداخت حقوق چند نفر و تهیه وسائل اداری و مصرفی و وسیله نقلیه شده است.

۲- اعتبار جاری و عمرانی سال جاری با توجه به سنگینی هزینه برنامه ریزی شصت میلیون ریال است.

مجاز هزینه کردن سی میلیون ریال اعتبار عمرانی از ۲۵۳۵/۵/۱ است که با شروع نزول بارانهای شهریور در گیلان متوقف می شود.

۳- اعتبار جاری نیز سی میلیون ریال است.

۴- دفتر مرکزی دانشگاه گیلان در ۵ اطاق به مساحت ۱۲۰ متر مربع در ساختمان مؤسسه تحقیقات مستقر شده و امکان و اجازه توسعه فیزیکی در تهران را ندارد و از این رو تاکنون نتوانسته است از همکاری افراد شایسته و برجسته ای در کار برنامه ریزی دانشگاه استفاده کند.

۵- در رشت بکمک جناب آقای استاندار مبادرت به گرفتن ۵ اطاق شده است ولی با توجه به عدم امکانات سکونتی و معیشتی هنوز موفق به جلب همکاران ارزنده و برای اقامت در رشت نشده است. از طرف دیگر با توجه به اینکه تمام کارهای جاری برنامه ریزی تقریباً در تهران باید انجام شود نقل مکان به رشت فعلاً منطقی بنظر نمی رسد ولی دفتر دانشگاه در رشت دایر است و رئیس دانشگاه معمولاً هفته ای ۲ روز در آنجا بسر می برد.

(مرور قسمت دوم گزارش دانشگاه گیلان "مشکلات اعتباری" مورد استدعا است).

پ - مشکلات مربوط بدو مدرسه عالی بازرگانی رشت و مدیریت گیلان - لاهیجان

اوامر مطاع و مبارک شاهنشاه آریامهر در مورد عدم انتساب مدرسه عالی بازرگانی رشت و مدرسه عالی مدیریت گیلان - لاهیجان در وزارت علوم و آموزش عالی تفسیر شد و زمانی سرپرستی حسین سپاسگزاریان - رئیس دانشگاه گیلان و زمانی سرپرستی حسین سپاسگزاریان بدون ذکر رئیس دانشگاه گیلان ادامه یافت و همواره مشکلاتی در راه تشکیل یک دانشکده جانشین این دو مدرسه عالی در لاهیجان و یا تشکیل یک دانشکده تربیت معلم وجود داشته و دارد.

در حال حاضر مدرسه عالی مدیریت گیلان - لاهیجان از نظر آموزشی در شرایط نسبتاً خوبی قرار دارد. اعضای هیأت علمی تمام وقت ۲ برابر شده است - کمیت و کیفیت آموزشی چند برابر شده - با اخلاگران که از طرف مقامات مربوط شناسائی شده بودند و با دانشجویان مشروط طبق مقررات عمل شده و تا میزان یک سوم در اعتبارات مصوب این مدرسه عالی (۸/۸ میلیون ریال) بدون تغییر در امور رفاهی موجود صرفه جوئی شده است. اعضای هیأت علمی تمام وقت که وضع ثابتی ندارند با صمیمیت کار می کنند و امید فراوان به تشکیل دانشکده ای در لاهیجان و تثبیت وضع خود را دارند. این اعضا، کارکنان و دانشجویان بعلت عدم امکانات از رفاه نسبی برخوردار نیستند و فقط به فعالیتهای سریع آینده با نگرانی از وضع خود چشم دوخته اند.

متأسفانه بنا به بعضی از مصالح و اعمال سیاست های اداری مورد نظر وزارت علوم و آموزش عالی و تا اندازه ای تمایل شخصی، دخالتی در امور آموزشی و اداری مدرسه عالی بازرگانی رشت را ندارم.

(مرور گزارش مربوط به دو مدرسه عالی مورد تقاضا است).

ت - مشکلات همکاری با وزارت علوم و آموزش عالی و مدیریت آن وزارت

متأسفانه نمونه ها و مثالهای فراوانی وجود دارد که رفتار جناب وزیر علوم و آموزش عالی با اینجانب براساس حسن تفاهم و همکاری و مودت و نزاکت جاری و عرفی نبوده است که از بازگو کردن آنها خودداری و بذکر این نکته بسنده می کنم که تمام مدارک و شواهد موجود است تا در صورت لزوم برای اثبات این مدعا ارائه شود.

تا کنون خود را به این راضی می کردم که رفتار ایشان با سایرین، بطوریکه تعریف می کنند بهتر از رفتار با من نیست و لذا

فقط بدلیل علاقه به کار و پیش بردن آن ولی با علو طبع و فروتنی و استغنا تن به این رفتار بنظر من ناپسند می دادم . در حال و شرایط حاضر و با توجه به سایر مشکلاتی که بروز کرده است ممکن است که ادامه کار اینجانب در مقام رئیس دانشگاه گیلان بعنوان عامل محدود کننده اضافی عمل کند درحالیکه روابط و برداشت های شخصی هرگز نباید مانعی در سرعت پیشرفت کار کشور باشد و از این رو تقاضای موافقت با کناره گیری اینجانب گردیده است .